

بخش سوم : درس نهم : آغاز فلسفه در جهان اسلام (۱)

- از ورود فلسفه به جهان اسلام در حدود سیزده قرن می گذرد.
- در حقیقت سیزده قرن است که مسلمانان نوعی « حیات علمی » دارند که از آن به « حیات فلسفی » تعبیر می کنیم.
- « حیات علمی و فلسفی » در جامعه ای جوانه می زند و رشد می کند که « حیات عقلی » وجود داشته باشد.
- حیات علمی و حیات فلسفی از میوه ها و ثمرات « حیات عقلی » اند.
- پس از گذشت حدود دو قرن از ظهور اسلام، حیات فلسفی به مرحله ای از رشد رسید که اولین فیلسوف مشهور مسلمان به نام « ابویوسف یعقوب بن اسحاق » ظهور کرد و حدود ۲۷۰ کتاب و رساله از خود به یادگار گذاشت .

□ زمینه های رشد فلسفه

- اگر رشد و شکوفایی علم در جامعه را به رشد گیاهان در یک مزرعه تشبیه کنیم، می توان گفت اولین شرط آن وجود زمین آماده و حاصلخیز است.
- وجود « حیات عقلی » در یک جامعه و حضور عقلانیت و احترام به عقل، همان زمین آماده ای است که دانه هر شاخه از دانش در آن کاشته شود، درخت تناوری خواهد شد و ثمر خواهد داد.
- مورخان علم گزارش داده اند که حیات تعقلی مسلمانان با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی مقارن بوده است.
- پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم « حیات عقلی » جامعه اسلامی را پایه گذاری کردند.
- پیامبر اکرم (ص) برای ایجاد چنین حیاتی از روش هایی خاص و بدیع استفاده کرد؛ به طوری که جامعه اسلامی عصر او در زمانی کوتاه به مرتبه ای ممتاز از « حیات عقلی » نائل آمد.
- پیامبر اکرم، قرآن کریم و پیشوایان بزرگوار، برای حیات عقلی که همان فضای فرهنگی و اجتماعی جهت بحث و گفت و گوی عقلانی است، زمینه سازی کرده، فرصت تفکر و اندیشه ورزی برای مردم فراهم آمد و بسیاری از مردم وارد مباحثات علمی شدند.
- برخی از این زمینه سازی ها که در قرآن کریم و گفتار و رفتار رسول خدا مشاهده می شود، عبارت اند از:
 - ارزش قائل شدن برای اصل تفکر و خردورزی.
 - تکریم علم به عنوان ثمره تفکر و خردورزی.
 - تکریم پیوسته عالمان و دانشمندان.
 - طرح مباحث علمی و عقلی و فلسفی و به کار گرفتن شیوه های مختلف استدلال.
 - مذمت پیوسته نادانی و جهل، به طوری که در جامعه یک ویژگی منفی تلقی شود.
 - دعوت به یادگیری علوم دیگر ملت ها و تمدن ها و استفاده از آنها.
- از عصر رسول خدا بحث و گفت و گوی عقلی در مسائل اعتقادی آغاز شد.
- در قرن اول هجری، دانشمندی تربیت شدند که در روش عقلی و استدلالی در مسائل اعتقادی مانند اثبات وجود خدا، صفات خداوند، ضرورت معاد و نیز مسائلی مانند جبر و اختیار متبحر بودند و به تعلیم و کتابت اشتغال داشتند.
- این دسته از دانشمندان، که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و منطق مورد بحث قرار می دهند، متکلم نامیده می شوند.
- حیات عقلی مسلمانان از همان ابتدای ظهور اسلام آغاز شد و بعد از دو قرن، به حیات فلسفی انجامید.

□ نهضت ترجمه

- نهضت ترجمه متون که از قرن دوم هجری آغاز شد، یکی دیگر از زمینه های شکل گیری «حیات فلسفی» در جهان اسلام بود.
- نهضت ترجمه منحصر به دانش فلسفه نبود بلکه علوم گوناگون از قبیل منطق، فلسفه، نجوم، ریاضیات، طب، ادب و سیاست را هم شامل می شد و در نتیجه آن، کتاب های فراوانی از زبان های یونانی، پهلوی، هندی و سریانی و در رشته های مختلف علمی ترجمه شدند.
- در آن عصر، نهضت ترجمه و یادگیری از دیگران آن قدر اهمیت داشت که گفته اند حنین بن اسحاق، مترجم معروف و زبردست آن زمان، گاهی معادل وزن کتابی که ترجمه کرده بود، زر دریافت می کرد.
- در چنین شرایطی، مسلمانان به زودی معارف پیشینیان را فرا گرفتند و در تمامی رشته های دانش سرآمد ملت های زمان خود شدند.
- در فلسفه یادگارهای فیلسوفان بزرگ یونان را آموختند و با نقد و بررسی آراء آن حکیمان، نظام فلسفی نوینی را سامان بخشیدند که ضمن برخورداری از آراء افلاطون و به خصوص ارسطو، دربردارنده اندیشه های جدیدی بود که تا آن روزگار سابقه نداشت.

□ حکمای مشاء

- فلسفه اسلامی در آغاز سرشتی کاملاً استدلالی داشت و متکی بر آراء ارسطو بود.
- از آنجا که ارسطو در مباحث فلسفی بیش از هر چیز به قیاس برهانی تکیه می کرد، فلسفه اسلامی نیز صورت استدلالی قوی به خود گرفت و نبوغ استدلالی ابن سینا، این صورت را با ظریف ترین موشکافی ها آراست.
- این شیوه تفکر فلسفی به خاطر مؤسس اول آن، ارسطو، به «حکمت مشاء» معروف شد.
- فارابی و ابن سینا بزرگ ترین حکمای مشاء محسوب می شوند.

□ معلم ثانی

- حکیم ابونصر محمد فارابی در ناحیه فاراب خراسان در حدود سال ۲۶۰ هجری متولد شد. از جوانی تحصیل در فقه و حدیث و تفسیر قرآن را آغاز کرد. سپس، به بغداد رفت و از محضر ابوبشر متی بن یونس که از حکیمان و مترجمان نامدار بود، بهره برد و فلسفه آموخت.
- فارابی برای تکمیل مطالعاتش به حران رفت و به آموختن ادامه داد. پس از آن، به بغداد بازگشت و از آنجا عازم دمشق شد که سیف الدوله حمدانی در آنجا حاکم بود. او تا آخر عمر نزد حمدانی زندگی کرد و در سال ۳۳۹ در هشتاد سالگی درگذشت. عالمان و مورخان فلسفه، فارابی را بنیان گذار و مؤسس حکمت مشائی می دانند.

□ مقام علمی و فلسفی فارابی

- فارابی علاوه بر فلسفه که در آن سرآمد روزگار بود، در حقوق، نجوم و سیاست نیز شهرت داشت و به درجه استادی رسیده بود. پزشکی را به خوبی می دانست و در مداوای بیماران تبحر داشت.
- فارابی در فلسفه سیاست نظریه پرداز بود و دیدگاه ویژه ای را مطرح کرد که به دیدگاه افلاطون نزدیک است.
- فارابی با میراث فلسفی یونان، به خصوص آراء افلاطون و ارسطو، به خوبی آشنا بود و توانست نقاط مشترک اندیشه های آن دو را بیابد و در کتابی با عنوان «الجمع بین رأی الحکیمین» (جمع میان نظرات دو حکیم) ارائه کند.
- فارابی در کتابی به نام «اغراض ارسطو فی کتاب مابعدالطبیعه» با دقت و توانایی بسیار، نظرات ارسطو را شرح می کند و نکات پیچیده آن را آشکار می سازد؛ چنان که بعدها راهنمای ابن سینا در فهم کتاب ارسطو می شود.
- فارابی به علت آشنایی عمیق با تعالیم اسلام، توانست آموخته های خود از افلاطون و ارسطو و سایر فیلسوفان گذشته را در یک نظام فلسفی جدید عرضه کند و فلسفه مشائی را در جهان اسلام بنا نهد.
- فارابی پس از ارسطو لقب «معلم» گرفت و به «معلم ثانی» شهرت یافت.

□ فلسفه سیاسی فارابی

- فارابی هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با اهل سیاست معاشرت نداشت.
- فارابی در سیاست بسیار اندیشید و آثار متعددی در این زمینه نوشت.
- فارابی انسان را مدنی بالطبع می داند و معتقد است که به حسب فطرت و طبع خود به جامعه گرایش دارد و می خواهد با هموعان خویش زندگی کند.
- به نظر فارابی، مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می گذرد؛ لذا هدف اصلی جامعه و مدینه، سعادت در دنیا و آخرت است.

□ تعریف مدینه فاضله:

- بهترین مدینه ها، مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آراسته اند که مدینه را به سوی سعادت می برد.
- فارابی مدینه فاضله را به بدن سالم تشبیه می کند که هر عضو آن متناسب با ویژگی خود وظیفه ای دارد که به نحو احسن انجام می دهد.
- به عقیده فارابی همان گونه که در اعضای بدن، برخی بر برخی تقدم دارند، برخی از اعضای جامعه نیز بر برخی دیگر مقدم اند؛ همان طور که قلب بر همه اعضای بدن ریاست دارد، در مدینه فاضله هم کسی باید بر دیگران برتری داشته باشد و بر آنان ریاست کند.

□ ویژگی های رئیس مدینه فاضله:

- ریاست جامعه باید برعهده کسی باشد که روحی بزرگ و سرشتی عالی دارد.
- ریاست جامعه باید به عالی ترین درجات تعقل رسیده است که بتواند احکام و شرایع را دریافت کند؛ یعنی رهبر جامعه کسی جز پیامبر خدا نیست.
- پیامبر می تواند با ملک و وحی اتصال دائمی داشته باشد.
- این ویژگی برای امامان و جانشینان او هم هست و همین اتصال پیوسته با عالم بالا به پیامبران امکان می دهد که جامعه را به درستی و در جهت نیل به سعادت حقیقی رهبری کنند.

□ تعریف مدینه جاهله:

- فارابی مدینه جاهله را در مقابل مدینه فاضله، قرار می دهد و معتقد است که مهم ترین تفاوت آن با مدینه فاضله در هدف آن است.
- در مدینه جاهله هدف مردم فقط سلامت جسم و فراوانی لذت هاست.
- آنها گمان می برند که اگر به چنین لذت هایی دست یافتند، به سعادت رسیده و اگر دست نیافتند، به بدبختی افتاده اند.

نکات پاورقی جهت مطالعه کنکور :

- الحکمه ضاله المومن فاطلبوها و لو عندالمشرك.
- این حکمت را بدین خاطر مشاء گفته اند که ارسطو در هنگام تدریس، معمولاً راه می رفت و قدم می زد.
- برخی گفته اند که چون عقل و اندیشه این فلاسفه پیوسته در مشی و حرکت بوده و دائماً میان مقدمات و نتایج در رفت و آمد است، فلسفه آنان را مشاء نامیده اند.